



حسین‌ها از مردم بازرگان در بازار عسکری، آنگاه سورنجان

پهلوی اول را برده، پهلوی دوم را جایگزین می‌کنند. این جایگزینی، سیاستی دیگری در حوزه اقتصاد به همراه آورد و مسائل ملی شدن نفت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خورشیدی و سرانجام افزایش درآمدهای نفتی را در پی داشت. این عامل‌ها دست به دست هم داد تا ایران به گونه‌ای بازار کالاهای غربی در آید و منافع آن‌ها را تامین کند؛ منافعی که از ایران یک کشور صنعتی نمی‌خواست. چون ایران منابع فراوان طبیعی داشت، در آن زمان تقسیم کاری که در نظر گرفته شد، تنها فروش مواد خام طبیعی بود و الگوهای تولید ایران نیز به پیروی از آن باید شکل می‌گرفت، نه این که منابع به صنایعی تبدیل شوند که سرچشمه تولید ثروت برای کشور باشند. صنایعی که در کشور شکل می‌گیرد، از این‌رو عمده‌ا مصرفی و مونتاژی‌اند، به همین دلیل یکی از دلایل سقوط پهلوی اول را کوشش‌ها برای صنعتی کردن کشور می‌توان برشمرد. پهلوی اول اگرچه اشتباه‌های بسیار داشت به ویژه این که فهم و دریافت او از تجدد و مدرنیزاسیون ایران، با ارزش‌های جامعه ایران تعارض‌هایی داشت. خشونت وی نیز پس از سال ۱۳۱۲ خورشیدی عملاً نارضایتی‌ها را در کشور گسترش بسیار داد به گونه‌ای که وقتی انگلیسی‌ها او را از ایران تبعید کردند، حتی کسانی که از حکومت وی بهره‌ای برده بودند، هیچک اعتراض نکردند و جامعه بسیار آسان اجازه داد که شاه مملکت را ببرد. هنگامی که پهلوی دوم بر سر کار آمد، جهان غرب برای ایران تقسیم کار تولید منابع نفتی در نظام جهانی را در نظر گرفته بود که این تقسیم کار الگوهای مصرفی متناسب با خودش را نیز داشت. طبقه‌های مسلط در اقتصاد ایران بدین ترتیب سرمایه‌دارانی‌اند که منافع‌شان به سرمایه‌داری جهانی پیوند خورده است و سرمایه‌داری جهانی نیز از این طبقه‌ها پشتیبانی می‌کند تا آن طبقه‌ها بمانند و گسترش یابند.

در بازخوانی رخدادهای مشروطیت ایران به برخی تاجران پشتیبان مشروطه برمی‌خوریم که پس از ورود بی‌رویه برخی کالاهای خارجی به پشتیبانی از مشروطه برخاسته‌اند، به آن امید که پیروزی جنبش بتواند جلوی ورود بی‌رویه کالاهای خارجی را بگیرد. این تغییر رویه تاجران پس از مشروطه چه علت‌هایی داشته است؟

تاجران، طبقه‌ای به شمار می‌آیند که سرمایه تجاری دارند، همچنین تولید در کشورهایمانند ایران یک فرآیند بسیار پریسک است. یک پرسش در این میان اهمیت بسیار دارد؛ چرا اساسا سرمایه‌داری تجاری در ایران رشد می‌کند؟ علت این است که سرمایه‌داری صنعتی بسیار پرهزینه و پریسک به شمار می‌آید، به همین دلیل سودی در فعالیتهای تجاری گرفته می‌شود، بسیار کمتر از سودی است که در فعالیتهای صنعتی به دست می‌آید. کسانی در این میانه کوشیدند کالاهایی وارد کنند که منافع صاحبان سرمایه تجاری را در درازمدت به خطر اندازد، اینان با ایستادگی گروه‌های تاجران روبه‌رو شدند، توانستند به این دسته واردات ادامه دهند زیرا تاجران بسیار می‌کوشیدند آن هدف برآورده نشود. ما با این پدیده نه تنها در دوره مشروطه، که، در دوره پهلوی دوم به ویژه در دهه ۲۰ روزهایی نیز مواجه شدیم. سرمایه صنعتی در این دوره تالان‌زای در حال شکل‌گیری است و خود نیز به گونه‌ای الزام‌تولیدات صنعتی را پدید می‌آورد، گو اینکه منابع اصلی تامین کننده آن نیز درآمدهای نفتی است اما با این حال می‌توان گفت یک انضباط صنعتی در حال شکل‌گیری است که خود، حرکت به سوی الزام فرهنگ تولیدی در کشور به شمار می‌آید که باید پدیدار شود. تاجران به همین دلیل، گونه‌ای ایستادگی در برابر صنعتگران و تولیدکنندگان صنعتی نشان می‌دهند. پس از آن پدیده‌های بعدی یعنی انقلاب اسلامی است و پیش از آن یعنی انقلاب فرهنگی نشان می‌دهد که با حمایت تاجران بازاری شکل می‌گیرد، این دقیقا رخدادی است که در انقلاب اسلامی نیز خود را نشان می‌دهد. صاحبان سرمایه‌های تجاری پس از انقلاب نیز کسانی به شمار می‌آیند که به ساخت قدرت پس از انقلاب وابسته‌اند و در برابر، تولیدکننده‌های صنعتی کسانی‌اند که با مصادره اموال روبه‌رو می‌شوند.

البته در جریان جنبش مشروطه، تاجرانی بزرگ همچون امین‌الضرب را داریم اما در جریان انقلاب اسلامی بسا تاجرانی خرده‌پا روبه‌رو می‌شویم که پشتیبان آن‌اند و بعدها آن‌ها را در گروه‌هایی همچون مؤتلفه می‌بینیم.

بله همین‌گونه است! این تاجران بعدها در روند انقلاب اسلامی در پدیده خصوصی‌سازی پیش‌ترین بهره را می‌برند، آنان اصلی‌ترین منتفعان پدیده ناخوشایندی‌اند که به نام خصوصی‌سازی انجام گرفته است. بسیاری از سرمایه‌گذارهای صنعتی نیز در واقع به تاجران بازاری واگذارده شد؛ تاجرانی که درک و دریافت‌شان از تجارت، تنها وارد کردن کالاهای مصرفی مردم و توزیع آن‌ها به گونه سنتی است و البته سودی بسیار بزرگ به دلیل انحصارپاشان به دست می‌آورند. در برابر آن‌ها با فعالیت‌های صنعتی روبه‌رویم که بسیار پرسرک و در تیرس قوانین و تعرفه‌های پر تغییر است؛ مقرراتی که تولید صنعتی را همواره با زیان روبه‌رو می‌کنند. اینان همچنین با افزایش ارزش قیمت از همسواره در گیرند که می‌تواند هزینه‌های تولیدشان را در برابر تولید خارجی بسیار افزایش دهد؛ همچنین قوانین کار، هزینه‌های نیروی کار آنان را با افزایش روبه‌رو می‌کند. این دسته، در دترسی به منابع بانکی نیز محدودیت‌های جدی دارند زیرا بانک‌ها ترجیح می‌دهند منابع را به کارخانه‌ها و بنگاههای زودبازده اختصاص دهند که منبع تسهیلات با سود بالا و در زمان کم باز گردد. این ویژگی‌هایی که برشمردم، برای فعالیت‌های تولیدی ممکن نیست و این فعالیت‌های تجاری است که می‌تواند از این منابع و امکانات بهره گرفته، همواره گسترش یابد.

بررسی پدیده مصرف‌گرایی در جامعه ایران معاصر در گفت‌وگو با دکتر حسین راغفر

تاجران و صنعتگران؛ یک رویارویی تاریخی

مصرف‌گرایی، عامل تغییر پرشتاب سبک زندگی و فرهنگ جامعه به شمار می‌آید

اقتصاد ایران را در دست داشته، در هر برهه به سمت خواسته‌های خود برده‌اند. دکتر حسین راغفر، زاده سال ۱۳۳۲ خورشیدی، اقتصاددان و پژوهشگر حوزه فقر و عدالت اقتصادی است. این عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا، سال‌ها در حوزه اقتصاد تدریس کرده است. راغفر همچنین کتاب‌هایی گوناگون در این زمینه ترجمه کرده یا نگاشته است. «اثرهای توسعه اقتصادی» نوشته کیت گرین، دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی: تعامل اندیشه‌ها در اقتصاد سیاسی توسعه» نوشته رابرت کاکس، «عشق ونگار نظر به اقتصاد خرد» اثر ریچارد با یلاس، «در باب نابرابری آموزشی» و «توسعه به مثابه آزادی» هر دو نوشته سن آمار نیکوماور، در دستنه ترجمه‌های این پژوهشگر و استاد دانشگاه می‌گنجد. وی همچنین کتاب «معرفت‌شناسی و متدولوژی آینده‌شناسی» را نگاشته است. دانشیار دانشگاه الزهرا این است یکی از مسائل عمده اقتصاد ایران از گذشته تا روزگار کنونی. قدرت و نفوذ تاجران کالاهای مصرفی به ویژه وارداتی است که در برابر هر گونه تولید صنعتی ایستاده، منافع خود را با میانه‌های مصرفی وارداتی بیوند زده‌اند؛ تاجرانی که فرهنگ مصرف‌گرایی را بسیار در جامعه ایران ترویج و تبلیغ کرده‌اند، از آن شیوه به سودهایی کلان در تاریخ ایران دست یافته‌اند.



تولید، اشتغال و موانع آن، از مسائل مهم جامعه امروز ایران به شمار می‌آیند به گونه‌ای که بسیاری از سیاست‌های حاکمیتی و دولتی، درباره این پدیده‌ها شکل می‌گیرند. بررسی زرف این مساله به آگاهی از پیشینه تولید در جامعه ایران نیاز دارد؛ چنین دریافتی، زمینه‌های نظری گره‌گشایی از اقتصاد ایران و به پیروی از آن، گسترش تولید و افزایش اشتغال را در کشور می‌تواند فراهم آورد. بسیاری از مسائل تولید و پدیده‌هایی ناخوشایند که امروزه اقتصاد ایران با آن روبه‌رو درگیر است، در تاریخ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این سرزمین ریشه دارند. اقتصاددانانی بدین ترتیب نسخه‌های مناسب برای حل آن مسائل می‌توانند بیابند که نیم‌نگاهی به تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران داشته باشند. اقتصاد و جامعه کنونی ایران به مصرف‌گرایی بسیار دچار شده است و تولید در آن وضعیت و جایگاه بسیار لرزان و نحیف دارد؛ حتی می‌توان گفت همین جایگاه نیز همواره به شدت در حال افول است. بر همین اساس بر آن شدیم با دکتر حسین راغفر، دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه الزهرا در این باره به گفت‌وگو بنشینیم. واکاوی دلایل مصرف‌گرایی ایرانینان در بستر تاریخ، محور بنیادین این گفت‌وگو به شمار می‌آید. واکاوی این مسائل، گره‌های ناگشوده اقتصاد ایران را از دوران مشروطه تا امروز در خود دارد. به ویژه به جوان باجرانی اشاره می‌کند که نبش

آن، مصرف‌گرایی، به معنای اتلاف منابع ملی، با انحراف منابع به تولید کالا و خدمات مصرفی به ویژه مصرفی لوکس، تامین‌کننده منافع طبقه‌ها و بخش‌هایی ویژه جامعه، نیز کسانی است که این سرمایه‌های تجاری را مدیریت می‌کنند. این شیوه، مانع‌هایی اساسی بر سر راه توسعه کشور پدید آورده، امکان دست‌یابی به توسعه را از کشور می‌گیرد، همچنین نابرابری‌هایی گسترده در جامعه پدیدار می‌سازد که اقتصاد کشور توان پاسخ‌گویی به نیازهای مشروع

اشتغال را نخواهد داشت؛ همه این مسائل، زمینه‌ها و طبقاتی‌ها، نارضایتی‌ها، طغیان‌ها و دیگر گونگی‌ها را در جامعه می‌تواند فراهم آورد. مساله مصرف‌گرایی به همین دلیل پیوندی نزدیک و بهم‌پیوسته با الگوهای تولیدی در یک کشور دارد، زیرا الگوهای تولیدی خدمات، بر تجارت و معامله مبتنی‌اند، نه بر تولید صنعتی و البته تولیدی که در آن شغل یا ارزش افزوده به گونه‌ای بالا پدید آید. این مساله در جامعه ایران، ویژه است زیرا با توجه به این که درآمدهای نفتی محدود شده و در آینده نزدیک محدودتر نیز خواهد شد،

تعارض‌های جدی اجتماعی در جامعه رقم خواهد خورد. و کم‌مصرفی تاکید می‌شود. همان‌گونه که در آغاز گفت‌وگو اشاره کردم در غرب برای فروش بیشتر سیگار و رواج الگوی مصرف آن در جامعه، زنان را نیز بسا طرفندهایی ویژه به دست مصرف‌کنندگان آن افزودند تا منافع صاحبان سرمایه تامین شود. در ایران نیز بسا این که پاره‌ای کالاها با ارزش‌ها و سبک زندگی ایرانی ناهمخوان بود اما مصرف آن باید همگانی می‌شد تا تولید انبوه، شکل گیرد. حفظ منافع صاحبان سرمایه‌ها بدین ترتیب ایجاب می‌کرد الگوهای جدید مصرفی همگانی شده، در میان گروه‌هایی گسترده از جامعه گسترش یابد. این شکل ترویج الگوی مصرف، فرآیندی کاملا ضد توسعه است زیرا توسعه در هیچ کشوری بدون تلاش، سخت‌کوشی، نوآوری و کم‌مصرفی شکل نگرفته است. این پدیده‌ای به شمار می‌آید که در

واردات استفاده کند. این وضعیت رفته‌رفته موجب می‌شود الگوهای مصرفی در جامعه شکل بگیرد. وقتی جامعه به سوی مصرف‌گرایی بیش‌تر پیش می‌رود، این مساله هم‌زمان با افزایش درآمدهای نفتی و توزیع نادرست منابع آن که از منافع صاحبان سرمایه‌های تجاری منتهی است، بخشی قابل توجه

از منابع همگانی درآمدهای نفتی به سویی می‌رود که تجارت را ترغیب کرده، به آن دامن می‌زند. طبقه‌ای موفق ایران را در انحصار کالاهای فاستونی انگلیسی‌تبار داشته، همواره پارچه انگلیسی به بازار ایران وارد کنند. از این‌رو تازه مصرف که به سرمایه‌های تجاری متکی است، برنده‌هایی دارد که تاجران و گسترده سیاسی به دست آورده، با نفوذ در نظام تصمیم‌گیری، منابع نفتی میان‌نسلی را در تداوم همان روند به تولید کالاهای مونتاژی مصرفی سوق می‌دهند. این الگو به تندی رشد می‌کند، الگویی تولیدی که کار در آن نقشی اساسی در درآمدزایی نداشته، این سرمایه تجاری است که نقشی مهم و تعیین کننده را برعهده می‌گیرد و به بازارهای تازه برای عرضه کالاهای جدید نیازمند است. بنابراین فرآیند شکل‌بخشی به خواسته‌های جدید را در میان طبقه متوسط هدف می‌گیرد، از

این‌رو مصرف‌گرایی به تندی به یک سبک زندگی و الگوی فرهنگی در جامعه ایرانی تبدیل می‌شود. گروهی با توجه به افزایش درآمدهای نفتی و اشتغال درون کشور از این سبک می‌توانند پیروی کنند؛ سبکی که عمدتاً به شکل‌گیری بخش‌های خدماتی مانند بانک‌داری، بیمه، توریسم و دیگر گونه‌های مصرف می‌انجامد. خانواده یا فرد موفق در این میان کسی است که می‌تواند الگوی متفاوت مصرف را مد نظر قرار داده، در زندگی پیاده کند. طبقه متوسط نیز برای این که خود را نشان دهد که به

طبقه‌ای بالاتر تعلق دارند از الگوی مصرفی آنان پیروی می‌کنند؛ این‌ها خود نیز به مرجهی برای گروه‌های کارگری و طبقه‌ها و قشرهای پایین‌تر جامعه متعلق می‌شوند. این فرآیند تداوم دارد زیرا منافع گروه‌های صاحبان سرمایه‌داری و بعدها

این‌رو مصرف‌گرایی به تندی به یک سبک زندگی و الگوی فرهنگی در جامعه ایرانی تبدیل می‌شود. گروهی با توجه به افزایش درآمدهای نفتی و اشتغال درون کشور از این سبک می‌توانند پیروی کنند؛ سبکی که عمدتاً به شکل‌گیری بخش‌های خدماتی مانند بانک‌داری، بیمه، توریسم و دیگر گونه‌های مصرف می‌انجامد. خانواده یا فرد موفق در این میان کسی است که می‌تواند الگوی متفاوت مصرف را مد نظر قرار داده، در زندگی پیاده کند. طبقه متوسط نیز برای این که خود را نشان دهد که به طبقه‌ای بالاتر تعلق دارند از الگوی مصرفی آنان پیروی می‌کنند؛ این‌ها خود نیز به مرجهی برای گروه‌های کارگری و طبقه‌ها و قشرهای پایین‌تر جامعه متعلق می‌شوند. این فرآیند تداوم دارد زیرا منافع گروه‌های صاحبان سرمایه‌داری و بعدها

پاره‌های کوشش‌ها در دوره پهلوی اول برای راننداری ظرفیت تولید صنعتی در ایران انجام شده که البته چندان به کامیابی راه نبرد. ناگامی آن کوشش‌ها چه علت‌هایی می‌تواند داشته باشد؟ دلایلی گوناگون، زمینه شکست آن کوشش‌ها را فراهم آورد. جامعه ایران البته گام‌هایی موفق در آن دوره در حوزه اقتصاد برداشت، به ویژه با توجه به اینکه منافع گسترده نفتی وجود نداشت زیرا منابع نفتی پس از سال‌های نخستین دهه سی خورشیدی و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عملاً نقشی جدی در جامعه و اقتصاد ایران یافت. سهیم ایران از نفت تا زمان کودتا، ۱۶/۵ درصد بود که انگلیسی‌ها هیچگاه همه آن سهم را نیز نمی‌دادند و با تقلب اجازه نمی‌دادند ایران بیش از ۵ یا ۶ درصد از کل